

رَحْمَاتُ نُورٍ

مؤلف
سید حسین ظہیر الاسلام ذرفولی

بہ اہتمام و مقدمہ

محمد حسین حکمت فر حسین نصیر باغبان

قلم زاویہ چمن بہ نید رسید
مین مین دین دید لوح مجید
نیا کلن من جلد خاص الہند
ز سر قدیم و حدیث آگسند

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

- سرشناسه : ظهیر الاسلام دزفولی، حسین بن محمدرضا، ۱۳۳۷-۱۳۷۴ق.
- عنوان و نام : رشحات نوریه/ مولف سیدحسین ظهیر الاسلام دزفولی؛ به اهتمام و مقدمه
پدیدآور محمدحسین حکمت‌فر، حسین نصیرباغبان.
- مشخصات نشر : دزفول: دارالمومنین؛ تهران: ارمغان تاریخ، ۱۳۹۵.
- مشخصات ظاهری : ۱۰۷ ص.: مصور.
- شابک : 978-600-5161-14-4
- وضعیت فهرست : فیفا
- نویسی
- یادداشت : کتابنامه.
- یادداشت : نمایه.
- موضوع : ظهیر الاسلام دزفولی، حسین بن محمدرضا، ۱۳۳۷-۱۳۷۴ق.
- موضوع : آداب طریقت
- شناسه افزوده : حکمت‌فر، محمدحسین، ۱۳۳۲ - ، مصحح، مقدمه‌نویس
- شناسه افزوده : نصیر باغبان، حسین، ۱۳۶۵ - ، مصحح، مقدمه‌نویس
- رده بندی کنگره : BP/۳۸۸/۲۸۹ ظ ۵ ۱۳۹۵
- رده بندی دیویی : ۴۹۷/۸۴
- شماره کتابشناسی : ۲۲۹۳۲۶۴
- ملی

رشحات نورۃ

مؤلف

سید حسین ظہیر الاسلام دہلوی

بہ اہتمام و مقدمہ

محمد حسین حکمت فر حسین نصیر باغبان

رشحات نوریه

مؤلف: سید حسین ظهیر الاسلام دزفولی

به اهتمام و مقدمه: محمد حسین حکمت فر- حسین نصیرباغبان

ناشر: انتشارات دارالمؤمنین

با همکاری نشر ارمغان تاریخ

طراح رایانه ای: محمد پورنعمت

طرح روی جلد: حسین امیری

شمارگان: ۵۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول

تاریخ انتشار: ۱۳۹۵

چاپخانه: ارمغان

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۱۶۱-۱۴-۴

نشانی ناشر: دزفول - خیابان حریت بین ایثار و مفتاح پلاک ۱۴

کد پستی: ۶۴۶۱۶۵۷۷۴۴ همراه: ۰۹۱۶۱۴۱۸۰۴۹

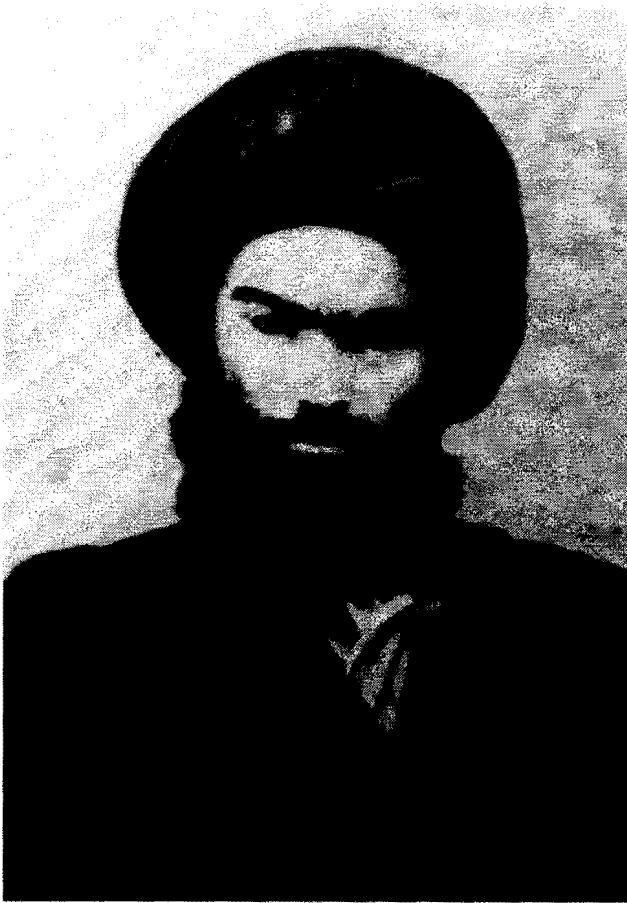
مرکز پخش: نشر ارمغان تاریخ، تهران، خیابان کارگر جنوبی، کوچه رشتچی

پلاک ۱۳ واحد ۴ تلفن تماس: ۰۲۱-۶۶۹۴۶۶۵۶



شماره صفحه	فهرست مطالب
۳	تصاویر.....
۱۴	تقریظ دکتر محمدرضا سنگری بر کتاب.....
۱۵	پیش سخن.....
۱۵	زندگینامه مؤلف.....
۱۶	ولادت.....
۱۶	سلسله نسب.....
۱۷	دوران کودکی تا اجتهاد.....
۱۸	سیر و سلوک و دوران طلب.....
۱۹	مرگ پدر و آغاز سفرهایی طولانی.....
۲۱	خصوصیات اخلاقی و شیوه زندگی.....
۲۳	مخالفان سید و رنج های وارده بر او.....
۲۶	استادان و شاگردان مکتب عرفانی ظهیرالاسلام.....
۲۹	تألیفات و تصنیفات ظهیرالاسلام.....
۳۱	وفات ظهیرالاسلام.....
۳۲	تقدیر و تشکر.....
۳۴	منابع و مأخذ در تدوین زندگینامه.....
۳۵	در بیان کتابشناسی و چگونگی ویرایش کتاب.....
۳۸	نمونه خط مؤلف.....
۴۲	متن رساله رشحات نوریه.....
۴۶	مقدمه مؤلف.....

۴۸		رشته اول؛ در توبه.....
۵۰		رشته دوم؛ در بیان ذکر.....
۵۲		رشته سوم؛ در کلمه طیه.....
۵۷		رشته چهارم؛ در تفکر.....
۶۱		رشته پنجم؛ در رابطه و مرابطه.....
۶۴		رشته ششم؛ در بیان معنی «اَلَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ».....
۶۷		رشته هفتم؛ در خداشناسی و اخلاق.....
۷۲		رشته هشتم؛ در بیان اطوار و انوار سبعة.....
		خاتمه؛ در بیان کرامات و حکایات از اولیاء الله و کرسی نامه
۷۶		عرفای ذهبی ..
۷۸		کراماتی از سید محمدرضا سید دزفولی - پدر مؤلف -.....
۸۰		در بیان کرامات عارف بزرگ سید صدرالدین کاشف دزفولی.
۸۵		در بیان کرامتی از آقا محمد یزدآبادی - رحمه الله -.....
۸۶		در ادامه کرسی نامه.....
۹۲		فهرست ها
۹۲		آیات قرآنی.....
۹۴		احادیث و جملات عربی.....
۹۶		اشخاص و گروه ها و مکان ها.....
۱۰۳		کتب نامبرده شده در متن.....
۱۰۵		منابع و مآخذ



قطب الاولياء و فخر الحكماء

حاج سيد حسين ظهير الاسلام دزفولی - رحمة الله عليه -

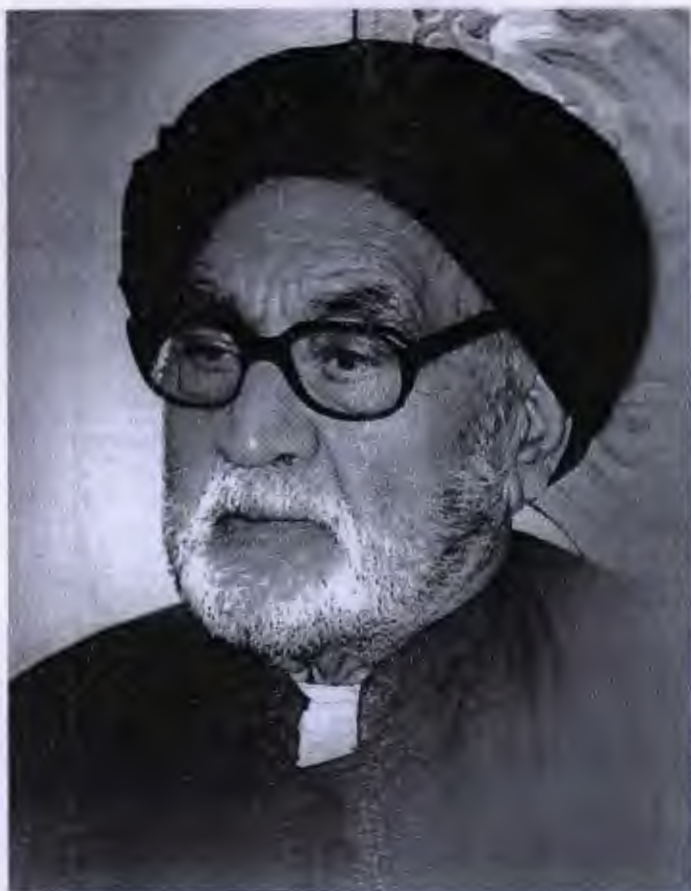


عارف و اديب و شاعر سيد رضى الدين ظهير الاسلام دزفولى
فرزند مؤلف و پدر علامه فقيد سيد على كمالى - رحمه الله عليه -



دانشمند و ادیب و شاعر سید صدرالدین ظهیرالاسلام دزفولی

فرزند مؤلف - رحمة الله عليه -



علامه و قرآن پژوه فقید حاج سید علی کمالی دزفولی فرزند
سید رضی الدین ظهیر الاسلام دزفولی - رحمة الله علیه -



حضرت آیت اللہ حاج سید مرتضیٰ سناد الاسلام دزفولی
برادر مؤلف - رحمۃ اللہ علیہ -



حضرت آیت الله حاج سید علی سید
برادر مؤلف - رحمه الله عليه -



حضرت آیت الله حاج سید مهدی سعادت‌مند
معروف به میرزا جان برادر مؤلف - رحمه الله علیه -



آرامگاه حاج سید حسین ظهیرالاسلام دزفولی - رحمة الله علیه -



مدرسہ سید اسماعیل بن سید شامیر و مزار کثیر الانوار
 حاج سید حسین ظہیر الاسلام دزفولی - رحمۃ اللہ علیہ -



مزار آقا سيد رضى الدين ظهير الاسلام زاده واقع در
قبرستان وادى السلام نجف اشرف



ساختمان کاشفیہ، عبادتگاہ دانشمند و عارف قرن سیزدهم
آقا سید صدرالدین کاشف دزفولی مشرف بہ رودخانہ دز



تصویر مهر آقا سید صدرالدین کاشف دزفولی

برین
برادر عزیز و دیر دوست گرامی آقا علی محمد
با معصوم و پارس ابرار ارزنده و مختار حضرت عالم در نشر رشادت نوریه از آثار
گران گف و عرفانی استاد عارف و اهل حضرت سید حسن لیسر الاسلام در ذوال
که الحق سرشار در قافیه و خاتمه در کمال عکس و عرفانی است. آرزوی توفیق
افزون تر از بارگاه حضرت حق بر این توفیق آردان ها و نگارها و علان نام دارم.
پایانست ها و توصیاست ارزنده تان من را گویا تر و روشن تر ساخته است.
بزرگش من نیز مستودن است. توان و نشان بین از این باد تا دیگر آثار
ارزنده مکتم و مغفول را باز یابید و میراث معنوی و فقهی را از دستبرد زوال
و زوالش رهایی بخشید و به نهم قشقه گامان حقیقت و معرفت مسووس
منوبت شد.

عزت مستدام و در محل الدوام و حق عارف و جری

و حکام عالم
از یاد نگذرد: محمد رضا سنگری

۱۳۹۰/۱۱/۷

تقریظ استاد دکتر محمد رضا سنگری

بسم الله الرحمن الرحيم

پیش سخن

به نام آن که جان را فکرت آموخت قبای عاشقی دوخت
چراغ دل به نور جان بر افروخت سرا پا جان ما سوخت^۱
شکر و سپاس صانع را که ریاض موجودات را از بیدای
ظلمت آباد عدم به صحرای وجود آورد و بذر ارادت را در مزرعه
بوستان غیب تربیت فرمود تا از آن بذر، شجره انسانی سر بر
آورد. و صلوات بی عدّ و درود بی حدّ نثار روح مقدّس و کالبد
مطهر سید کاینات و سرور موجودات سید انبیاء و سلطان اصفیاء
محمد مصطفی (ص) که ثمره شجره وجود و دریای کرم وجود
است. و درود و سلام بر اهل بیت او که شמוש حقیقت اند و
صحابه کرام او که نجوم طریقت اند.

زندگینامه مؤلف

استاد الواصلین، افضل الفضلاء، خلیل الأولیاء، مجمع
البحرین، عین المله و الدّین حضرت ظهیرالاسلام و المسلمین
الحاج سید حسین بن حاج سید محمدرضا ملقب به عین الدین
علیشاه در طریقت است.

^۱- این اشعار در قالب مستزاد است که از کتاب «غنچه باز» مرحوم سید حسین
ظهیرالاسلام-مؤلف رساله ی پیش رو- اخذ شده است.

ولادت

ولادت با سعادت سید در فجر صادق روز جمعه یازدهم جمادی الاولی سال ۱۲۷۴ هجری قمری از بطن حاجیه بی بی دردانه خانم که زنی صالحه و شب زنده دار بود اتفاق افتاد؛ مطابق حروف «حسین ابن محمدرضا».

آقا سید صدرالدین کاشف دزفولی -علی الله مقامه- که استاد و پدر معنوی حاج سید محمدرضا بود مژده آمدن چنین فرزندی را به ایشان داده و می گوید: خداوند به تو پسری عطا می کند نام او را سید حسین بگذار، او جانشین من خواهد بود، سلام مرا به او برسان و چنان شد که سید کاشف گفته بود.

سلسله نسب

سید حسین از سلسله سادات گوشه است که نسب شریفش با بیست و هفت واسطه به امام هفتم حضرت موسی بن جعفر (ع) اتصال می یابد^۲ و وجه تسمیه ایشان از آن جهت است که مرقد مطهر جدشان سید ولی الدین در دهکده گوشه در ۱۵

^۲ - نسب ایشان چنین است: «سید حسین بن سید محمدرضا بن سید اسماعیل بن سید شاهمیر بن سید محمد مهدی بن سید محمد شفیع بن سید مرتضی بن سید حبیب الله بن سید ولی الدین بن سید محمد بن سید احمد بن سید عبدالله بن سید شمس الدین محمد بن سید تاج الدین بن سید شرف الدین بن سید صدرالدین بن سید حسین ابن سید عالی بن سید صدرالدین بن سید نظام الدین بن سید محمود بن سید جمال الدین بن سید محمود ابن سید صدرالدین بن سید مظفرالدین بن سید احمد بن سید قطب الدین عبدالله بن سید الامام الهمام والبدر التمام ابوالحسن موسی ابن جعفر صلوات الله و سلامه علیه.» (عرفان و سلوک اسلامی، سید علی کمالی دزفولی، ص ۱۰۷)

فرسنگی شمال دزفول در میان کوه بختیاری معروف به لیوس^۲ که زیارتگاه مردم آن سامان است قرار دارد؛ چنانچه مشهور است سید ولی الدین برای ترویج مذهب تشیع در بختیاری و خوزستان آمده و در آنجا به جوار رحمت الهی پیوسته است.

دوران کودکی تا اجتهاد

در سال ۱۲۷۹ که مرحوم حاج شیخ جعفر شوشتری - طاب ثراه - به دزفول آمده بود، چون آثار رشد و ذکاوت را در ظهیرالاسلام که آن وقت پنج ساله بود مشاهده نمود عمامه بر سر وی گزارد و قلمدانی از شاهکارهای «آقا زمان» - نقاش معروف - به وی داد.

در سفر دوم حاج سید محمدرضا به خراسان به دیدار مرحوم حاج ملا هادی سبزواری - عارف و حکیم عالیقدر - نائل آمد؛ فرزند او سید حسین ظهیرالاسلام که آن وقت ده سال داشت همراه او بود. ظهیرالاسلام می فرمود: به یاد دارم که حکیم سبزواری بر روی بوریایی نشسته و غالباً در عالم تفکر بود، گاهی با پدرم سخنی می گفت و نگاهی به من می نمود و در همان مجلس سفارش مرا به پدرم نمود.

سید حسین در سال ۱۲۹۱ هـ ق در خدمت حاج شیخ جعفر شوشتری برای تحصیل به نجف اشرف مشرف شد. در مدتی که در آنجا اقامت داشت اغلب شب ها پیاده به مسجد

^۳ - Leyves

سهله در کوفه می رفت و مشغول اوراد و اذکار بود. سید حسین در حالی به وطن بازگشت که اجازه اجتهاد تحصیل نموده و در اثر عبادات و ریاضاتی که در جوار مرقد مطهر سید الموحّدین و ائمه اطهار(ع) انجام داده بود مبذل به مرد وارسته ای گشته بود.

سیر و سلوک و دوران طلب

مرحوم ملا مهدی قارم بن ملا غلامعلی بن ملا اسدالله بن فاضل گرانمایه و عارف بلند پایه مولا غلامرضا شهبایی معروف به ملا غلامرضا شهبی- که در مکتب عرفانی آقا سید صدرالدین کاشف دزفولی تربیت و پرورش یافته است- نقل نمود: زمانی که سید حسین ظهیرالاسلام قصد عزیمت به نجف اشرف را داشت خدمت ملا غلامرضا شهبی رسید و از جناب ایشان درخواست توجّه و دعا نمود تا در این سفر به شرف دستبوسی حضرت ولی عصر (عج) مشرف شود؛ که سرانجام کمال مشاهده اش دست داد و راه به پیشگاه حرم عزّت برد.

شکر که ره یافتیم ، در حرم یار خویش شکر که بگشاد یار، پرده ز رخسار خویش

دوران طلب ظهیر الاسلام هفت سال از ۱۲۹۱ تا ۱۲۹۸ هجری قمری به طول انجامید. دورانی است که ظهیرالاسلام زیر نظر پدر خویش در سلسله ذهبیه طی طریق می نموده و با وجود آن که از کرامات الله نظرانی چون ماه و مهر سما می دیده اما آن تشنگی بی پایان که ملازم حال طالبان است فرو ننشسته تا آن که در پایان هفت سال توفیق ازلی و سعادت لم یزلی او را

به محضر پیر کامل مکمل ملا محمدعلی کومالکی شوستری -
معروف به عاشق علیشاه - کشانده و جام اوفی را از دست آن مرد
راسخ دین قویم و آن عارف قائم بر نهج صراط مستقیم نوشیده
است؛ چنان که خودش در منظومه صحیفه الاصفیاء تصریح
می کند:

دُر آسمان مرشدم وانمود	که در وحدت ذات آسوده بود
« محمد علی » شاه اقلیم فقر	که عالم یکی صعوه او بود صقر
به توحید چون دُر وحدت بسُفت	ملک بر فلک آفرین هاش گفت
یکی بود ز انوار غیب الغیوب	چو موسی برون کرد مه از جیوب
روان همه اولیا شاد باد	جهان از غم غیر آزاد باد

مرگ پدر و آغاز سفرهایی طولانی

ظهِیرالاسلام پس از مرگ پدر در اواسط ذی الحِجّه
۱۳۰۲ و در نتیجه پیش آمدهایی ناچار به ترک دزفول شده و
مسافرتی را آغاز نمود که حدود بیست سال به طول انجامید در
این سفر به اغلب شهرهای باختر و مرکز و جنوب ایران و بین
النهرین و شام و فلسطین و حجاز و قفقاز مسافرت نمود و در هر
شهری که می رسید معرّز و محترم بود و رجال بزرگ آن عصر
در تهران و جمیع بلاد مقدمش را گرمی و صحبتش را غنیمت
می شمردند و در اعزاز و اکرام او می کوشیدند. ظهِیرالاسلام از
دزفول و از راه لرستان به سمت تهران سفر کرد در خرم آباد
مظفرالملک که از جانب ظلّ السلطان حکومت لرستان و
خوزستان را داشت از سید حسین استقبال نمود و برای او یک

صد تومان هدیه فرستاد که سید حسین قبول نکرد. بعد به بروجرد رفت و از بروجرد به سلطان آباد - اراک - تشریف برده در منزل آیت الله حاج آقا محسن طاب ثراه - که اول عالم و ملّاک اراک بود وارد شد^۴ و سه ماه در آنجا بود سپس عازم تهران شد.

ظهِیرالاسلام به قصد زیارت بیت الله الحرام از تهران بیرون آمد و از راه سلطان آباد و ملایر به طور ناشناس سفر عراق عرب نموده، به جانب نجف اشرف و از آن جا به مکه معظمه حرکت و در سال ۱۳۰۴ هجری قمری وارد مکه می شود. سید حسین در دوازدهم محرم الحرام سال ۱۳۰۵ هجری قمری از مدینه به عراق حرکت و در روز چهاردهم صفر به نجف اشرف مشرف می گردد.

در مدت اقامت در عراق سید در شهر بغداد با شیخ ابوسعید بغدادی قطب سلسله ابوالعباس بونی دیدار و از دست او خرقة پوشیده و اجازه عامّه دریافت می دارد.

در بازگشت از نجف یک سال در شهرهای ملایر، کمره و نهاوند مهمان میرزا ابوالقاسم نوری و عبدالله میرزا برادر زاده احتشام السلطنه - می باشد. سید حسین کتاب رشحات نوریّه را در شهر ملایر تألیف می نماید؛ سپس از ملایر به تهران عزیمت و بدو^۵ در منزل حشمت الدوله در سرچشمه منزل می کند. پس از دو سه روز حاج میرزا محمدعلی پیرزاده نائینی که از رجال

^۴ - آقا محسن بن ابوالقاسم اراکی (عراقی) (۱۳۲۵-۱۲۴۷ قمری)

عرفا و عارف زاده دوره ناصری است به دیدن سید حسین آمده و درخواست می کند که خودش برای ایشان خانه ای اجاره کند و سید قبول می کند.

سید حسین در سال ۱۳۱۰ هجری قمری مسافرتی به مشهد مقدّس نمود و در این سفر چنان قبول خاص و عام یافت که مجلس درس فقه و اصول و حدیث و حکمت الهی برای او دایر گردید که قریب ششصد نفر در درس او حاضر می شدند و مدت شانزده ماه در آنجا با نهایت عزّت و احترام مجاور بود. سرانجام در بیست و پنجم ذی القعدة الحرام سال ۱۳۲۱ هجری قمری در حالی که گروه بسیاری از مردم شوشتر و دزفول تا خرمشهر (محّمّه سابق) از او استقبال کردند و عامه مردم تا چند فرسنگی راه شوشتر از او پیشواز نمودند به منزل پدری خود در محله لوریان دزفول بازگشت.

خصوصیات اخلاقی و شیوه زندگی

ظهِیرالاسلام در قوّت قلب و شجاعت نسل پاک حیدر کرّار و در کفّ نفس و قناعت نمونه اولیای عالیمقدّار بود از اوان صباوت تا آخرین دم حیات در تحصیل علم و حکمت کوشید و از علوم بسیار هر روز خلعت نوی پوشید در مواقع ریاضت و عبادت دارای طاقتی عجیب و خلوصی غریب بود. دارای ذکاوتی بی اندازه و هوشی سرشار و در اقسام حکمت نظری و عملی

بهین استاد بود. با آن که مقام سیادت و ریاست داشت به درویشی و مسکنت جلوه می نمود.

سید حسین در احترام به علمای دین و سادات کمال اهتمام و مراقبت را داشت. او هرگز غیبت نکرد و در مجلس او کسی را یارای غیبت کردن نبود. در نطق و بیان چه بر منبر و چه بر مسند کم نظیر بود. هم از حیث صوت و امضاح و ترتیل جالب و جذاب بود، هم از حیث فطلم دلپذیر، هم از حیث محتوا آموزنده و پر برکت. هر سؤال را چنان شافی و کافی و مختصر جواب می داد که سائل نیازمند تکرار نبود. مرحوم حجت الاسلام آقا شیخ عبدالحسین معزی می گفت: جواب های ظهیرالاسلام در مسائل علمی مانند تیری است که به هدف اصابت می نماید.

ظهیرالاسلام دارای آوازی جانفزا بود. در موقع تنهایی اشعار عربی و فارسی اولیای کامل را که از بر داشت با کمال سوز و گداز می خواند و اشک از دیده می افشاند. نوای خاصی داشت بسیار دل انگیز که به نوای ظهیری مشهور شد. مایه موسیقی آیینی ظهیری در دستگاه شور اجرا می شود مداحان و مرثیه سرایان دزفول اشعار نغز و شیوای عالم و مجتهد عالیمقام مرحوم ملا محمدرشید ضیایی دزفولی را در مجالس روضه خوانی در گوشه (مایه) ظهیری می خوانند که تأثیری بسزا در ضمیر صاحبذلان می گذارد.

سید حسین در دوران عمر خود به چهل اربعین با اجازه مشایخ کبار خود با اعمال شاقّه و مجاهدات فوق الطّاقه مبادرت نمود. همواره قائم اللّیل و صائم النّهار مشغول ذکر خفی و جلی بود. در ماه رمضان هر روز یک قرآن ختم می نمود، شب ها را تا صبح به ذکر و فکر بیدار بود، در شب های جمعه غالباً کلمه طّیبه «لا اله الا الله» را که به گفته عرفا افضل اذکار است دوازده هزار بار تکرار می نمود. مرحوم ملا خسرو خبّازیان گفت: پدرم مرحوم ملا بره در شب های جمعه در معیت آقا سید حسین به بقعه متبرکه عالم و عارف و محدث کبیر حضرت مولانا کھف الدّین شیخ الوری اسماعیل قسری در بازار قدیم دزفول - مشرف و با سفارش سید در را از بیرون قفل و ایشان تا سحرگاه در آن مکان به عبادت و ریاضت و شب زنده داری اوقات می گذراند.

مخالفان سید و رنج های وارده بر او

مجاهدات و مشکلات و مصائب وارده بر سید چندان بود که پس از فوت پدرش مدّعیان ریاست و خویشان نزدیک بر او شوریدند و به آزار و اذیت او پرداختند. شب به خانه او رفتند که او را ترور کنند و موفق نشدند، حکّام جور شش سال املاک او را که سبب معاش جمع کثیری از ذراری رسول الله (ص) بود غارت کردند. در سال ۱۳۳۴ قمری جمعی از دشمنانش املاک او را غارت کرده و به دست سید رضی الدّین - پسر او را که در سن

بیست و سه سالگی از علمای نجف اجازه اجتهاد داشت^۵ - تیر زدند. اشرار دزفول خانه اش را محاصره کردند، چند تن از خدمه اش را مقتول و درب خانه او را آتش زده و اموالش را غارت نمودند. خانه او مورد تفتیش سربازان انگلیسی واقع شد. دوبار هر باری چند ساعت او را در قونسولخانه دزفول توقیف کردند. یکبار هم دشمنان حسود برای ترور او اقدام کردند و موفق نگردیدند، زمینه تکفیر او را فراهم ساختند و مؤثر واقع نشد.

مرحوم آقا سید جلال الدین عرفان گفت: روزی مرحوم ملا اسدالله شهمی فرزند ملا غلامرضا شهمی و آقا سید فخرالدین فیض به دیدن آقا سید حسین رفته بودند. سید آنها را به پشت بام خانه برد محل اصابت گلوله ها و مکانی را که او مورد سوء قصد قرار گرفته بود نشان داد.

حضرت حجت الاسلام و المسلمین حاج سید احمد فیاض (دزفولی) - رحمه الله علیه - فرمود: قطب العارفین حاج سید حسین ظهیر الاسلام مخالفان بسیاری در دزفول داشت. روزی به همراه یکی از مریدان خود اقدام به ساختن تعدادی فشنگ نمود، سپس آنها را با علم کیمیا تبدیل به طلا می نماید. سید حسین این فشنگ ها را به شاگرد خود می دهد و می گوید، این ها را به سینه مخالفان من نشان بگو. شاگرد عرض می کند: پس چرا فشنگ ها را تبدیل به طلا نمودید؟

^۵ - ایشان از آیت الله سید محمد فیروزآبادی - رحمه الله - اجازه اجتهاد داشتند.

ظهیر الاسلام می فرماید: از آن جهت تبدیل به طلا کردم که از آن فشنگ ها دیت و خون بهای اشخاص را هم پرداخت کرده باشم.

حضرت ملا محمدتقی سرمدی زاده معروف به بابا تقی دزفولی که از شاگردان مکتب عرفانی زبده العارفین و انیس الموحّدین حاج سید حسین ظهیرالاسلام -نور الله ضریحه- می باشد، سیمای الهی و عرفانی و آلام و رنج های استاد و پیر خود را در قطعه شعری در قالب مثنوی چنین بیان نموده است:

یکی دیدم از آن شوریده حالان	که بودی بسته بر زنجیر جانان
زدندی خاک و چوب و سنگ بر او	نمی آمد از او جز بانگ یاهو
چو بانگ یاربش از دل زدی جوش	ملک را در فلک می کرد خاموش
جمال معنی از سیماش پیدا	جلال جلّ شأنه زو هویدا
جهان جان هم او جان جهان او	مکان لا مکانی را مکان او
امیر کشور لاهوتیان او	دبیر دفتر ناسوتیان او
زده پا بر جمیع ماسوی الله	یکی از مخلصین خاصّ درگاه
یگانه گوهری در بحر معنی	به اسرار معانی سرّ معنی
به تسبیح و به تهلیل الهی	به دورش جمع می گشتی کماهی
بگفتم: «مست و بی خود از کجایی»	بگفت: «از جام خاصّ کبریایی»
بگفتم: «ای امیر کشور عشق»	بگفتم: «ای ظهیر مظهر عشق»
بگفتم: «ای ولی مطلق حق»	به حقّ حقّ به حقّ هستی تو ملحق
رهایی ده مرا از خود به یک بار	نما از خود مرا بی زار بی زار
تبسم کرد و گفتا: «رسته ای تو»	«به زندان هوس کی بسته ای تو؟»
چو مظهر رو به کوی سرمدی کن	به هستی آی و جا در نیستی کن

استادان و شاگردان مکتب عرفانی ظهیرالاسلام

مرحوم سید صادق عنقا در هامش مقدمه ای که بر دو کتاب انوار قلوب السالکین و حقایق المناقب از آثار مرحوم جلال الدین علی میرابوالفضل عنقا چنین آورده است:

«سلوک عارف کامل خبیر عین الدین حسین ملقب به ظهیرالاسلام در طریقه علویه ذهبیه از والد خود زبده الاولیاء آقای آقا سید محمدرضا که ایشان خلیفه خال خود برهان الطریقه و دلیل الحقیقه ولی السالکین آقا سید صدرالدین دزفولی (کاشف) -اعلی الله مقامه- و ایشان از خلفاء قطب الاقطاب جناب آقا محمد بید آبادی اصفهانی گیلانی اند، ایضاً در طریقه معروفی از شیخ المشایخ آقا ملا محمدعلی کومالکی (شوشتری) -عاشق علی شاه- خلیفه حضرت عین علی شاه هروی که از خلفاء نورعلی شاه و سید معصوم علی شاه دکنی می باشد اخذ طریقه نموده و صاحب اجازه ارشاد است. چنانچه حضرت آقا سید حسین دزفولی در نسبت ارادتش به عاشق علی شاه کومالکی می فرماید:

از حضرت عاشق الهی	گنجینه و گنج پادشاهی
نوشتید حسین جام جم را	وان مایه عالم قدم را

و در مثنوی دیگر می فرماید:

پیر ما ماه فلک پیمابود	پیر ما مهر جهان آرا بود
دو جهان بر خدمش هندویی	مشری چشم و عطارد رویی
قطب افلاک ولایت دل او	هر نفس مهر و مهی حاصل او

من ملایک به طوافش دیدم اولیا قاف به قافش دیدم
همه ذرات به او گویا بود درگهش سینه ده سینا بود
عشق و معشوق صفت عاشق نام بُد محمدعلی آن ماه تمام»

برخورد ظهیرالاسلام به عاشق علی شاه در شوشتر مانند
برخورد مولانا با شمس تبریزی است از یک طرف عالمی
سرشناس و از طرف دیگر قلندری از آنها که «اولیایی تحت
قبایی لایعرفهم غیری»^۶ بدین معنی که: اولیای من زیر قبه من
هستند کسی جز من ایشان را نمی شناسد. و به قول حکیم نظامی:
آن که سر از عرش برون می برد گوی به میدان درون می برد
ظهیر الاسلام تصریح می کند که مرشد او گذشته از قدرت
تصرف، سخنگوی کامل توحید و عرفان نیز بوده است.

در رباعیات خود گفته:

عاشق که جهان معرفت بود کجاست آن کان حیا و کرم و جود کجاست
آن نور مبین مقصد و مقصود کجاست آن رهبر دل تا در معبود کجاست

عاشق که بر اسرار جهان مطلق بود سلطان دو کون و راز دار حق بود
خورشید حقیقت و مه چرخ یقین برتر ز جهان بود و جهان الحق بود

عاشق علی آن شه سریر تمکین دریای محیط علم و آن کوه یقین
آن قبله عارفان و آن کامل دین حقا که مسیح بود بر روی زمین

ملا محمدعلی کومالکی شوشتری قناد گمنامی بود در
شوشتر، و چون ظهیرالاسلام آثار کرامت و تصرف را از ملا

^۶ حدیثی قدسی است.

محمدعلی می بیند رهوار و کجاوه به شوستر می فرستد تا ملا محمدعلی و خانواده اش را به دزفول آورند. ملا محمدعلی در خانه محقری واقع در جنب بقعه پیرحبش سکونت می کند و زیر دالان کوچک خانه به کسب و کار قنادی مشغول می شود تا آن که در سال سیصد و اندی وفات می کند. پیکر معطر و مطهر ملا محمد علی را در قبرستان ابوالعلاء به خاک می سپارند. مرحوم بابا تقی دزفولی مرد عارف و ارسته محل دفن ملا محمدعلی را می دانست و به علامه فقید آقا حاج سید علی کمالی دزفولی نشان داده بود. مرحوم آقا سید جلال الدین عرفان هم از محل دفن مطلع بود و نشان قبر ملا محمدعلی را به حقیر محمد حسین حکمت فر بیان فرمود که فی الحال مزار ملا محمد علی در منزل مسکونی مرحوم حاج خدایار قدرتی در محله صحرابدر مشرقی واقع شده است.

دیگر استادان مکتب عرفانی ظهیرالاسلام، فرید وادی عشق و معرفت شیخ ابوسعید بغدادی است که نسبت باطنیش چنان که در متن اجازه نامه ای که به سید معظم اعطا فرموده منعکس است به شیخ احمد بن علی البونی قطب سلسله ابوالعباس بونی اتصال دارد. سید حسین در بغداد از دست شیخ ابوسعید خرقة پوشیده و اجازه عامه دریافت نموده است. دیگر اساتید آن جناب شیخ ابوالخیر مکی و مولا غلامرضا شهبازی معروف به ملا غلامرضا شهبازی است.